



قصه، سرآغاز حرکت من در دل طبیعت است

فرهاد مینایی، مربی کتابخانه‌ی سیار روستایی

خیلی وقت‌ها همه چیز از یک قصه شروع می‌شود و این قصه و قصه‌گویی آرام‌آرام زمینه‌ی رفاقت بچه‌ها با کتاب و مطالعه را فراهم می‌کند. کتاب، اول ماجراست. یک روز با نقاشی پیش می‌روند. روز دیگر سفال، جلسه‌ی بعد کاردستی، مرتبه‌ی بعد نمایش فیلم و خلاصه هر بار که مربی با خودروی خود از راه می‌رسد، بچه‌ها می‌دانند او حرفی تازه دارد. فعالیت‌ها متنوع‌اند و همه حول محور کتاب و کتاب‌خوانی. فعالیتی که غیرمستقیم بچه‌ها را در روستاها تشویق می‌کند بیشتر بخوانند و بدانند. آزمون و امتحانی هم در کار نیست، اما تدبیرهای مربی به‌واسطه‌ی استمرارش، تأثیر مستقیمی روی درس و تحصیل آنان می‌گذارد. کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان در سراسر کشور مراکزی ثابت و سیار دارد که شاید برای اغلب بچه‌ها و حتی والدین آنان به اسم کتابخانه شناخته شده است. فرهاد مینایی یکی از مربیان کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان است. او از سال ۱۳۷۵ در ۲۳ سالگی به‌عنوان مربی کتابخانه‌ی سیار روستایی قدم به کانون گذاشت و تا امروز بچه‌های بسیاری از روستاهای منطقه‌ی کیبودرآهنگ استان همدان را زیر پوشش دارد. با او به گفت‌وگو نشستیم تا از فعالیت این گروه از مربیان بیشتر بدانیم.

● یعنی شما غیرمستقیم کنجکاوی بچه‌ها را تحریک می‌کنید، به‌گونه‌ای که خودشان به وجد می‌آیند و طالب اطلاعات بیشتر درباره‌ی آن قصه می‌شوند و بعد ادامه‌ی ماجرا! بله، اینجاست که من کتابی را به آنان معرفی می‌کنم و وقتی بچه‌ها تمایل پیدا می‌کنند درباره‌ی موضوع بیشتر بدانند، لذا کتاب را برای خواندن به امانت می‌گیرند.

● مربی سیار روستایی چه کارهایی انجام می‌دهد و چه مناطق و وسعتی را باید پوشش بدهد؟

رسالت اصلی مربی کتابخانه‌ی سیار روستایی، کتاب‌رسانی به روستاها و ترویج فرهنگ مطالعه و کتاب و کتاب‌خوانی در بین کودکان و نوجوانان روستایی است. اما برای رسیدن به این هدف، فعالیت‌های متنوع دیگری مانند معرفی کتاب، روخوانی کتاب، قصه‌گویی، شعرخوانی، نمایش خلاق، بازی و سرگرمی، نقاشی، کاردستی، سفال، مسابقه، بازی‌های بومی محلی و نمایش فیلم را هم برای آنان در نظر می‌گیریم. در تعریف کتابخانه‌ی سیار روستایی آمده است که باید در روستاها و مناطق دور دست محروم و کم‌برخوردار فعالیت داشته باشد.

● ارتباط شما با دانش‌آموزان و مدرسه‌ها و آموزگاران چگونه است؟

ارتباط ما با آموزگاران، مدرسه و والدین دوستانه است و با اعتماد پیش آمده، بچه‌ها را به سمت مطالعه و خواندن کتاب‌های درسی رهنمون می‌شویم.

● شما به‌طور غیرمستقیم در فرایند یاددهی-یادگیری نقش مؤثر دارید. فعالیت‌های شما در کنار آموزگاران، آموزش را بهبود می‌بخشد. در این باره بیشتر توضیح دهید.

ما مربیان کانون، در مراکز ثابت، سیار و پستی، مانند آموزگاران در آموزش مستقیم دانش‌آموزان ایفای نقش نمی‌کنیم، بلکه تمام فعالیت‌های ما در مسیر رشد و شکوفایی خلاقیت بچه‌ها غیرمستقیم و خارج از برنامه‌ی درسی و کتاب درسی و نظام آموزشی یعنی به صورت «فوق برنامه» انجام می‌شود. ما تلاش می‌کنیم معلومات بچه‌ها افزایش یابد و خلاقیت آنان بیشتر شکوفا شود. وقتی وارد یک روستا می‌شوم، کارم را با یک قصه در مورد درختان و جنگل شروع می‌کنم. بچه‌ها عاشق قصه هستند. قصه را به‌صورت خلاقانه برای آنان تعریف می‌کنم و بعد، از همین فرصت به‌راحتی استفاده می‌کنم و چندین کتاب علمی را در رابطه با موضوع، به آنان که عضو کتابخانه‌ی سیار ما هستند، معرفی می‌کنم.



دانش آموزان در بازی‌های محلی یا کارگاه‌های گروهی نقاشی و سفال، به صورت غیر مستقیم نوعی نظم و انضباط می‌آموزند. وقتی مربی کانون با استفاده از چند ظرف پلاستیکی یا یکبار مصرف، به آن‌ها کاردستی می‌آموزد، حس کنجکاوی دانش آموزان برای ساخت دیگر وسایل برانگیخته می‌شود. گاه نیز از معلمان خود می‌خواهند آن‌ها را همراهی کند. این همان رشد و پرورش حس خلاقیت آن‌هاست. کار ما مکمل کار معلم مدرسه است. شاگردان مدرسه‌هایی که با ما در ارتباط هستند، در مباحث درسی کنجکاوترند و با شوق‌های بیشتری نکته‌های درسی و آموزشی را دنبال می‌کنند. این از جمله نکته‌هایی است که آموزگار را به وجد می‌آورد.

● شما اصولاً برای آموزش‌های غیرمستقیم خودتان از چه شیوه‌ها و فناوری‌های آموزشی استفاده می‌کنید؟

فناوری آموزشی را فقط در ابزار، علم یا صنعت نمی‌توان تعریف کرد، بلکه خلاقیت، ایده و تجربه به کمک ابزار می‌آیند و فناوری آموزشی را معنی و مفهوم می‌بخشند. فرض کنید قرار باشد یک روز درباره‌ی برگ درختان برای بچه‌ها مطلبی بگویم. در جلسات قبل در خصوص رنگ و انواع برگ‌ها و اندازه‌ی آن‌ها، طرح‌ها و شکل‌هایی را با مقوا یا کاغذ به صورت روزنامه‌ی دیواری درست می‌کنیم. وقتی توجه بچه‌ها به موضوع جلب شد، سراغ موضوع می‌رویم و درباره‌ی آن با هم صحبت می‌کنیم. گاهی این کار را با کاردستی انجام می‌دهیم. بچه‌ها با دیدن کاردستی شوق و ذوق پیدا می‌کنند. وقتی توجه آن‌ها جلب شد و طالب اطلاعات بیشتر شدند، کتاب مربوط به برگ‌ها را به آنان معرفی می‌کنم. در واقع با بازی و سرگرمی توجه بچه‌ها را جلب می‌کنم و هنگامی که مشتاق دانایی بیشتر شدند، کتاب را به آنان معرفی و در جلسات بعدی با هم بیشتر روی موضوع کار می‌کنیم.

● فعالیت‌های شما شاید به طور مستقیم به کلاس درس ربط پیدا نکند و به طور غیرمستقیم به دانش آموز و آموزگار و مدرسه مرتبط باشد. از زاویه‌ی فناوری آموزشی فعالیت‌های خودتان را بیشتر برای ما تشریح کنید.

آموزگار وظیفه دارد کتاب یا چند کتاب درسی را به طور رسمی به بچه‌ها آموزش بدهد و حتی در زمینه‌های تربیتی نیز دانش آموزان را به رشد و تعالی برساند. لذا برخی کارها را به صورت مستقیم انجام نمی‌دهد. برای مثال، معلمی که برای آموزش علوم و گیاهان شاگردان خود را به پارک یا فضایی طبیعی می‌برد، در واقع کاری آموزشی می‌کند که اثرش غیرمستقیم روی درس بچه‌هاست. ما در واقع همین کار را می‌کنیم. ما غیرمستقیم و به نام اوقات فراغت، به معلم یاری می‌رسانیم. وقتی دانش آموزان با طبیعت آشنا می‌شوند، یا به مطالعه علاقه پیدا می‌کنند و یا با هنرهایی مثل نقاشی، سفال، قصه و غیره انس می‌گیرند، در واقع در همان راستای کار معلم پیش می‌روند. هم تدریس برای معلم تسهیل می‌شود و هم فراگیری مخاطب راحت‌تر. لذا همیشه با معلم در ارتباط هستیم. تمام کار ما در نوع خودش جلوه‌ای از فناوری آموزشی است.



● شما در وهله‌ی اول باید بتوانید اعتماد بچه‌ها را به خود جلب کنید تا در ادامه بتوانید فعالیت‌هايتان را ارائه کنید. چگونه این کار را انجام می‌دهید؟

خدمات متنوع ما رایگان است و آزمون و امتحانی هم برای کتابی که خوانده یا فعالیتی که انجام داده‌اند، وجود ندارد. بچه‌ها به تدریج جلب می‌شوند. من با آن‌ها مثل خودشان می‌شوم. با هم بازی می‌کنیم؛ بازی‌های محلی. دور هم می‌نشینیم و قصه می‌گوییم. برای آنان شعر می‌خوانم. باید با بچه‌ها رفیق شد و مثل خودشان بود. بچه‌ها را به اسم کوچک صدا می‌زنم. هر جلسه که به روستای آنان می‌روم، صمیمیت بیشتر و بیشتر می‌شود. گاهی این دوستی و رفاقت تا آنجا پیش می‌رود که بچه‌ها مشکلات شخصی خود را با مربی، به عنوان مشاور، در میان می‌گذارند.

● چند وقت یکبار به یک روستا می‌روید؟

معمولاً هر دو هفته یک بار. در حال حاضر تعداد ۱۵ روستا و هر کدام تا ۳۰ دانش آموز تحت پوشش کتابخانه‌ی سیار روستایی من قرار دارند. بازی‌ها و سرگرمی‌های گروهی، کارگاه سفال و سفالگری از جمله فعالیت‌هایی هستند که بیشتر استقبال می‌شوند.

● شما با آموزگاران و دبستان‌ها هم به نوعی در ارتباط هستید. فعالیت‌های شما روی برنامه‌ها و فعالیت‌های آنان چه آثار و نتایجی دارد؟

آموزگاران همواره فعالیت‌های کانون را تأیید می‌کنند. آن‌ها می‌گویند،